



عاشقم، سوخته ام...

سروده‌ی

عبدالصالح سیدیوسفی

سرشناسه
عنوان و نام پدید آور : عاشقم سوخته ام... / سروده عبد الصالح سید یوسفی.
مشخصات نشر : شیراز: ره آورد هنر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : [۱۱۹] ص. : ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
شابک : ۷ - ۰۱ - ۸۰۱۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی دهکده : ۱۳۹۴ ع ۲ ۴۳۷ ی / ۸۳۴۸ PIR
رده بندی دیوید : ۸۱ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۶۱۷۶۷



شناسنامه کتاب

عنوان: عاشقم سوخته ام...
سروده: عبدالصالح سید یوسفی
ناشر: ره آورد هنر
نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۵
چاپ: شمیم ۰۹۱۲۵۵۳۶۴۵۴
ناظر چاپ: محمد مهتری ۰۹۱۲۵۵۳۶۴۵۴
شمارگان: ۵۰۰
قیمت: ۶۰۰۰ تومان
شابک: ۷ - ۰۱ - ۸۰۱۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸

انتشارات ره آورد هنر: شیراز: بازار انقلاب، سری اول، لاله ۲ پلاک ۷۹

Email: Rahavardehonar@yahoo.com

تلفن: ۰۷۱ - ۳۲۲۹۵۱۱۸ / همراه: ۰۹۱۷۳۱۰۲۲۷۲ / دورنگار: ۳۲۲۷۶۸۳۳ - ۰۷۱

فهرست اشعار

- ۹ تا برفتی ز برم شام سیه شد سحرم
 ۱۰ شتابان گر روم من سوی شیراز
 ۱۰ تیر مژگان از برای کشتن جانانه داشت
 ۱۱ در تب عشق تو سوختم مثل یک پروانه ای
 ۱۲ چه خوش با هم لب جویبار رفتیم
 ۱۲ اگر نان نباشد جان چه ارزد
 ۱۳ خودت گل هستی و اشکات گلابست
 ۱۳ چه خوش روزی روز جدایی
 ۱۴ سرمه چشم سیاه باز کشیدن بلدی
 ۱۴ بلبلان ناله کن پروانه ها گریه کنید
 ۱۵ سر راهت نشین تا بجایی
 ۱۶ دلم عاشق شده مردم بدانید
 ۱۶ دل تو با دل من پیمان من نیست
 ۱۷ زلف پر پیچ نگار شانه بزن عاشق زار
 ۱۸ دل بیمار عاشق کی شود دلدار تو
 ۱۸ سوختم از شمع رخسارت گلم
 ۱۹ تو کشتی عاشقت با تیر مژگون
 ۲۰ از شمع رخسار یار مثل شقایق شدی
 ۲۰ قاصدک از دل من با خبرت خواهد کرد
 ۲۱ نمی دونی مگر عاشق شدم من
 ۲۱ مرا آتش زدی با چشم مست
 ۲۲ تو آزار مده پروانه ام من
 ۲۳ دم رفتن نمی دانی چه حال
 ۲۳ آمد رنگین کمان همراه بارون
 ۲۴ تو عاشق می کشی با چم و ابرو
 ۲۴ بیا تا جان فشانم پیش پایت
 ۲۴ حدیث چشم نازت با که گویم

- ۲۵ در میان انجمن بنشین کنار ماه خود
 ۲۶ نشستم منتظر تا صبح نیامد یار دلجویم
 ۲۶ من دیوانه چه خواهم که تو می کنی جدایی
 ۲۷ همه آرزوی من تو، تو نیامدی کنارم
 ۲۸ جدا افتاده ام از یار خدایا
 ۲۸ قفس با تو خوشه بی آب و دانه
 ۲۹ ارم ستاره در شب تارش
 ۲۹ بیای مرغ قاصد نامه من
 ۳۰ فنا شد شمع و سوخت پر پروانه
 ۳۰ دل من برگ پا زدن گل من
 ۳۱ مگر عاشق شدن رسد ندارد
 ۳۱ یار من دل می دهد دل می
 ۳۲ آینه و شمع دان بیاور، شمع عشق روشن بکن
 ۳۳ زار می گریم تا که نی از درد من نمان شود
 ۳۴ دل و دل می کنی من دل منم
 ۳۴ بیا بگذر دمی از کوی دلبر
 ۳۵ چشمت به در و فرصت دیدار نداری
 ۳۵ شنیدم عاشقان را مینوازی
 ۳۶ تو که خون کرده ای دلهای عاشق
 ۳۶ گدایی می کنم در کوی دلبر
 ۳۷ چرا لیلی شده عاشق مجنون
 ۳۷ خداوند بیاور یار جانی
 ۳۸ گدا و مفلس و محتاج یارم
 ۳۸ بخوانید بلبان بر شاخه گل
 ۳۹ دل من مثل کوره سرخ و بریون
 ۳۹ نگاه بر عاشق بیگانه داری
 ۴۰ من عاشق بی تو تنها نشستم
 ۴۰ مکش سرمه زدی آتش به جانم
 ۴۱ شدم من یک غلام حلقه در گوش

- ۴۱ تو هستی عاشق و رند و نظر باز
 ۴۲ ز من دل میبری چون ماه مجلس
 ۴۲ دو چشم عاشقم را در بدر کن
 ۴۳ سوار اسب و دنبال شکاره
 ۴۳ بگو که اختیارت گل کی داره
 ۴۴ آمدم دزدانه در شب تا تماشايت کنم
 ۴۵ دل من حالت پروانه دارد
 ۴۵ عاشقان ایدل چه پیش آمد، بهارانش چه شد
 ۴۶ بر شمع میارید که پروانه ما سوخت
 ۴۷ مایا یا سوربک لحظه بگذار
 ۴۷ شباب و نوجوانی از سرم رفت
 ۴۸ نزد اغیار سکن ماه ز گیسوی نگار
 ۴۹ بدل زخمی زدن از شیر مکن
 ۴۹ خیالت گر شبی در بر بخیر
 ۵۰ مکن آزاد غلام خود تو مد وشم این دنیا
 ۵۱ چشم براه ماندم و هر لحظه نشست
 ۵۲ طاقتم نیست که بیداد زدلدار من است
 ۵۳ اشک غم بر دیده ام بین داغ حسرت بر دلم
 ۵۴ هر شب دل تنهایم در رهگذرت باشد
 ۵۵ چه آسان بوسه ای در خواب میداد
 ۵۵ نی کجا سوزی دلش را سوخته
 ۵۶ بلبل ز فراق و دوری غل
 ۵۶ به خنده واکن لبهای شیرین
 ۵۷ زحمت بیهوده مکش ای طیب
 ۵۷ طاققت هجران ندارم طی نشد هجران دوست
 ۵۸ ناوک غمزه بیاورد ز سر ناز که من
 ۵۹ کی هلاکم می کنی امروز و فردا را مکن
 ۶۰ کو طبیبی که کند دواي بیماری دل
 ۶۰ ز عشق روی تو افسانه میشم

- ۶۰ گهی عاشق، گهی بیمار باشی
 ۶۱ دل عاشق پریشون می کنی یار
 ۶۱ در بندم و در زنجیرم در تارک مژگانت
 ۶۲ دل که با دیده ز تو گفت جدایش کردم
 ۶۳ شد موسم فروردین، وقت است بیوسی یار
 ۶۴ به اسیران رخس مژده دلدار دهید
 ۶۵ صبا گر چاره داری خبر از یار بگو
 ۶۶ ز فراق تو چگویم که ز من نفس نمانده
 ۶۷ ماه کنعانی، من در شب تار می آید
 ۶۸ بوسه بر آن لب را گوشه کنارم چه خوش است
 ۶۹ گفتم و نماند، ای وفا وفاکن
 ۷۰ دل مسکین بی رخ شد از درد
 ۷۰ شباب و نو جوانی رفته بر باد
 ۷۱ روز مرگم نفسی مهلت دار نه
 ۷۲ جگر صد پاره و دل چاک درم
 ۷۲ یکدم به داد دل رس، سرو بستانی من
 ۷۳ غنیمت دان که دنیا بی وفا است
 ۷۳ یار افتاده به پایش نگرید
 ۷۴ شباب و نوجوانی از سرم رفت
 ۷۴ شدم عاشق به رخسارت همه عالم خبر کردم
 ۷۵ چشم نازت چه کند با تن تب دار امشب
 ۷۶ دمی یادم بکن در نو بهاران
 ۷۶ شقایق سر زد از دلهای عاشق
 ۷۷ بیارید آتش و اسفند دونه
 ۷۷ دو دستم عاشقانه دست او بود
 ۷۸ بقربون لبای سرخ دلبر
 ۷۸ گل شب بوی من عاشق شدم من
 ۷۹ ایکاش میدیدم ترا یک شب به خواب
 ۸۰ واژه واژه شعرهایم از دو چشمت گفته ام

- گفتم به دام زلفت صالح زار اسیر است ۸۱
- گر ز چشم دور شوی در دل خود جا دهمت ۸۱
- بدیدارم بیا یکدم، بین احوال من ایگل ۸۲
- دل ندارد طاق هجران و خون شد از فراق ۸۳
- ای بی خبر از حال دل و دیده عاشق ۸۴
- عاشقان را کی نوازش می کند آن بیوفا ۸۵
- نمیگویی سخن با من ، نمیدانی که دردم چیست ۸۶
- می دم چه کس ما را جدا کرد ۸۷
- روح حال دل زارم چو بگفتم با شمع ۸۷
- ای دیده زار گشته بریز اشک ندامت ۸۸
- نکرد ، رحم بر این عاشق زار ۸۹
- دل پر خون و غم پر درد است ۹۰
- یادت آید که کسی تو ز یاد می‌گفتم ۹۰
- نگاه کن بر دو چشم عشق من ۹۱
- وعده دیدار ما بر روی قالی می‌ریخت ۹۲
- خداوندا بیاور یار جانی ۹۲
- نمیدونی فقیر و خانه دوشم ۹۳
- تو با چشم نرگس خود همه کس ربودی از من ۹۳
- پیرهن سرخ اناری به تن کرده نگار ۹۴
- شنیدم عاشقان را می نوازی ۹۵
- مکن منع دل آزرده من ۹۵
- آن که در خواب من آمد دلبر شیرین بود ۹۶
- دل بیچاره من عاشق یار ۹۷
- در دلش آرزوی قامت دلجوی تو بود ۹۷
- ندارم همزبانی در قفس من ۹۸
- آشفته شد از قصه من خاطر جمعی ۹۹
- نیامد در بر من یار نازم ۱۰۰
- نشستم منتظر در خلوت شب ۱۰۰
- خدایا دلبر نازک دل من ۱۰۱

- آتش زدی همه خرمن جوانی من ۱۰۱
- من و شمع تا سحر گریه کردیم ۱۰۲
- غم عشق و فراقش گشت مارا ۱۰۲
- دو چشمانت چرا نم داره امشب ۱۰۳
- در دلش آرزوی قامت دلجوی تو بود ۱۰۳
- تو هم ماه منی، هم ماه گردون ۱۰۴
- ای میگفت زارت بکشم از غم خویش ۱۰۵
- ماه من گفت که زارت بکشم با غم خویش ۱۰۶
- عاشق چه کند گر نکند فریاد ز دل ۱۰۶
- چه خن روزی بود روز جدایی ۱۰۷
- پسته را با تنگستان نسبت داد ۱۰۸
- تو داری لشکر من آن به جنگ من نمیایی ۱۰۸
- ز دیر و کعبه درد استای ۱۰۹
- ندارد طاقت هجران دل زار و زین من ۱۱۰
- ماه من نا مهربان شد با دلم ۱۱۱
- بلبلان مستند و خندان شاخ گل ۱۱۱
- شدم عاشق به بالای بلندش ۱۱۲
- طبيب درد علت ها بیارید ۱۱۲
- به دیدارم بیا ای نازنین یار ۱۱۳
- تا کی از غمزه و ناز زلفت پریشان میکنی ۱۱۳
- خون دل، آه سحر، ناله شب، سوز جگر ۱۱۴
- گفتمش رحمی بکن، درمانده ام از درد عشق ۱۱۵
- نشسته قمری عاشق تو باغچه ۱۱۶
- دل خونین سزای عاشقان است ۱۱۷
- ز دست دیده و دل در فغانم ۱۱۷
- خدایا طاقت هجران نمانده ۱۱۸
- چرا از بیستون فرهاد نیامد ۱۱۸
- دردممنی، درمان من، کی میدهی تو کام من ۱۱۹